

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد یاسین ایوبی  
فرانکفورت، ۲۹ اکتوبر ۲۰۰۸

## رنگین اسپنٹا نوکر خانجان است نه از بانجان

آورده اند که خانی همراه یکی دو دوست و با معیت نوکرش راهی دهی دور بود. چاشت وقتی از فراز دهکده ای می گذشتند، دهقانی آنها را به نان دعوت کرد که خان این خواهش دهقان را پذیرفت. زن دهقان اتفاقاً بانجان (بانجان) پخته بود. خان وقتی آن غذا را تناول می فرمود، برای خوشی خاطر دهقان لب به توصیف بانجان گشوده و صفات نیک آنرا بر شمرد. هنوز سخنان خان به انجام نرسیده بود که نوکر برای جلب رضایت خان رشته سخن را به دست گرفته یاد آور شد که بانجان بهترین غذاست که نه تنها خوشمزه است، بلکه شفابخش نیز میباشد و حتی خوردن آن ثواب داشته و او بانجان را نظر به هر غذای دیگر بیشتر دوست دارد. بعد از نان چاشت خان با همراهان خویش به سفر خود ادامه داده در فردای همان روز مهمان کس دیگری گردید که او هم بر حسب تصادف بانجان پخته بود. خان که دلش را بانجان گرفته بود، به مذمت بانجان پرداخته و هر آنچه بد بود در حق بانجان حواله کرد. نوکر که وضعیت را چنین دید، بلا درنگ بر بانجان بر آشفت و بانجان را بسیار بد و بیراه گفت و تنفر عمیق خود را از بانجان بیان کرد. دوستان خان که این وضعیت متناقض را مشاهده کردند، از نوکر پرسیدند که: "چرا دیروز بانجان را بسیار خوب گفتی و امروز آنرا از اندازه زیاد بد می گویی؟" نوکر در جواب گفت که: "من نوکر خان جان هستم نه از بانجان!"

آقای اسپنٹا نیز در جریان سخنرانی در سمیناری موسوم به "صلح و حل منازعه در تفکر اسلامی" که در وزارت خارجه در کابل دایر شده و چگونگی آن در سرویس خبری بی بی سی مؤرخ ۱۵ اکتوبر ۲۰۰۸ در انترنت نشر گردیده بود، در مورد مذاکره با طالبان داد سخن داده و آنرا بنا بر دلایلی چنین رد کرده بود:

- "مذاکره با مخالفان مسلح تنها در صورتی می تواند به نتیجه برسد که دولت از یک موضع سیاسی قوی وارد گفتگو شود."
- "آنانیکه برای آوردن صلح مذاکره با مخالفان مسلح دولت (طالبان) را آغاز کرده اند در حقیقت پیام آوران تسلیم و فرار هستند."
- "اگر در پی تسلیم کردن این خاک هستید (منظور طرفداری انگلیس ها از مذاکره با طالبان است - شرح از نگارنده)، بهتر است از افغانستان بیرون شوید."
- "در این روز ها در کشور جنگ زده ما بیشتر از پیش سخن از صلح است، سخن از صلحی است که نمی دانیم با چه کسی و یا چگونه صلح می کنیم."
- "برخی که در تنگای فرار گرفته اند و شکست خود را شکست همه جهان می دانند، می خواهند پیام انهمام را در گوش کودکان ما زمزمه کنند."
- "صلحی را که پیام آوران تسلیم و منادیان فرار می خواهند، صلحی است که از طریق گردن های بریده و پذیرش بردگی باید تأمین شود."

این قلم بر سخنان او تبصره تحت عنوان "بلند پروازی های یک مزدور پا بسته بنام رنگین اسپنٹا" نوشت که در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به نشر رسید.

هنوز چند صبحی از این قضیه نگذشته بود که اسپینتا به عربستان سعودی و پاکستان سفر کرده و با افکار متضاد به وطن برگشت. خبرنگار بی بی سی با او راجع به مذاکرات با طالبان مصاحبه کرده که متن آن در سرویس خبری بی بی سی مؤرخ ۲۳ اکتوبر ۲۰۰۸ در انترنت نشر گردیده است.

اسپینتا در جریان مصاحبه با خبرنگار بی بی سی چنین گفته :

- "وزارت خارجه تایید می کند که دولت افغانستان و گروه طالبان، برای پایان دادن به نا امنی ها در این کشور پشت میز مذاکره قرار خواهند گرفت."
- "هنوز محل و تاریخ دقیق برگزاری مذاکرات میان دولت افغانستان و طالبان مشخص نشده است، ولی در زمینه کار هایی صورت خواهد گرفت."
- از اینکه دومین بخش از این مذاکرات در کدام شهر صورت می گیرد، تا حال معلوم نیست. مسؤلیت ما اینست و ما آماده هستیم که این مذاکرات را ادامه دهیم. در این مورد، هیئت غیر رسمی و غیر دولتی که از سوی افغانستان رفته بود، در مشوره با مقامات سعودی محلی را برای ادامه این گفتگو ها تعیین خواهند کرد."
- خروج نیرو های خارجی از افغانستان، هرگز به عنوان پیش شرطی برای آغاز مذاکرات با طالبان پذیرفته نخواهد شد.

## تبصره :

• چه طور شد که دولت افغانستان، این طفل یک شبه راه صد ساله پیمود و بدون مشکل از حالت ضعیف به موضع قوی ارتقاء یافت و طرح مذاکره با طالبان را پذیرفت که اینک جناب وزیر خارجه می گوید " مسؤلیت ما اینست و ما آماده هستیم که این مذاکرات را ادامه دهیم؟ در حالیکه در سخنرانی خود چند روز قبل گفته بود که : "مذاکره با مخالفان مسلح تنها در صورتی می تواند به نتیجه برسد که دولت از یک موضع سیاسی قوی وارد گفتگو شود." این مذاکرات قبلاً به رهبری قیوم کرزی، برادر حامد کرزی، به عنوان نماینده خاص او راه اندازی شده است و همه مردم آنرا می دانند. تنها اسپینتا آنرا انکار می کند. پس واولیای اسپینتا مبنی بر رد این مذاکرات یعنی چه؟ حد غلام باشد که به ریش کاکویش بخندد، زیرا آنچه را کاکو انجام داده، غلام نمی داند.

• اسپینتا که ادعا دارد که در مذاکرات در عربستان سعودی هیئت غیر رسمی و غیر دولتی اشتراک داشت، بار دیگر خود ثابت می کند، که او را کسی به پیشیزی تحویل نمی گیرد و همه مسایل بدست اجنبی ها حل و فصل می شود. وگرنه خوب بخاطر دارد که آقای قیوم کرزی در تقرر ایشان در دربار سی آی ای چقدر مؤثر واقع شد. وقتی فرستاده کرزی یعنی برادرش با عده ای دیگری از اعضای دولت در مذاکرات با طالبان اشتراک داشتند، پس اصطلاح غیر رسمی و غیر دولتی یعنی چه؟ مگر در درون کابینه دولت دستنشانده وضع بر همین منوال نیست. اسپینتا نمی خواهد بداند که آقایان کریم خلیلی، اسماعیل خان و چند تای دیگر هم عضو کابینه آقای کرزی اند و هم عضو "جبهه ملی" یعنی جبهه مخالف دولت که مرکب از جنگسالاران و جنایت کاران می باشد. او نمی خواهد بداند که اسماعیل خان قبل از تقررش به وزارت آب و انرژی چندین قرارداد را به عنوان امیر بخش غرب افغانستان در غیاب دولت دستنشانده با دولت ایران امضاء کرد، همچنانکه ه دوستم چند قرارداد را با روسیه بسته بود پس اصطلاح غیر رسمی و غیر دولتی یعنی چه؟

• جا دارد از اسپینتا سؤال شود که این باورش را که "آنانیکه برای آوردن صلح مذاکره با مخالفان مسلح دولت (طالبان) را آغاز کرده اند در حقیقت پیام آوران تسلیم و فرار هستند" چگونه ارزیابی می کنند؟ آیا این گفته او با این فرمایش جناب شان چقدر در تناقض است که گفت : "مسؤلیت ما اینست و ما آماده هستیم که این مذاکرات را ادامه دهیم. یعنی شما قبلاً این مذاکرات را آغاز کردید و اکنون می خواهید آنرا ادامه دهید. همچنان این سخنان جناب شان که "اگر در پی تسلیم کردن این خاک هستید (منظور طرفداری انگلیس ها از مذاکره با طالبان است - شرح از نگارنده)، بهتر است از افغانستان بیرون شوید". چه شد که یک باره از تسلیم کردن خاک دیگر سخنی در میان نیست و اسپینتا گفته است که : "مسؤلیت ما اینست و ما آماده هستیم که این مذاکرات را ادامه دهیم. یعنی خاک را تسلیم کنیم. پس آن همه فریاد علیه تسلیم و فرار یعنی چه؟ اسپینتا خوب می داند که اجنبیان نه به خواهش او به افغانستان آمده اند و نه هم به امر او از افغانستان خارج می شوند. پس این همه پندادن یعنی چه؟

• اسپینتا گفته بود که : "صلحی را که پیام آوران تسلیم و منادیان فرار می خواهند، صلحی است که از طریق گردن های بریده و پذیرش بردگی باید تأمین شود." ولی چند روز بعد اسپینتا گفت : "وزارت خارجه تایید می کند که دولت افغانستان و گروه طالبان، برای پایان دادن به نا امنی ها در این کشور پشت میز مذاکره قرار خواهند گرفت." پس قابل سؤال است که آن منادیان فرار و تسلیم کیها اند؟ و کجا شد آن سر های بریده و کی ها بردگی را پذیرفتند. زهی خیانت، دروغ و مردم فریبی!

- اسپنتا پیش شرط طالبان را مبنی بر خروج نیرو های خارجی از افغانستان نمی پذیرد. زیرا می داند که با خروج نیرو های خارجی به اصطلاح عوام دم ایشان به خاشه بند نشده و تا اروپا و امریکا فرار می کنند. زیرا این دولت دستنشانده بر پشت نیرو های اجنبی تکیه زده و حیات او به همین نیروها وابسته است. اسپنتا گفته بود که: " برخی که در تنگا قرار گرفته اند و شکست خود را شکست همه جهان می دانند، می خواهند پیام انهزام را در گوش کودکان ما زمزمه کنند." حال جا دارد پرسیده شود که این پیام انهزام خویش را چرا خود تان در گوش جهانیان زمزمه می کنید. اگر قرار همین بود که طالبان را در گله خود بیاورید، پس چرا ده ها هزار افغان را در هفت سال گذشته قتل کردید و چرا اربابان تو هزاران تن بم را در خاک پاک وطن ریختانند.

### **خوانندگان ارجمند !**

طرح مذاکره با طالبان طرح سابق انگلیسها و امریکایی هاست که از چندی به این سو جدی تر شده است. منظور از این طرح شرکت طالبان و حزب اسلامی گلبدین در دولت دستنشانده و تجرید القاعده می باشد. به این ترتیب دو گروه جنایتکار دیگر یعنی طالبان و حزب اسلامی گلبدین به گله نوکران اجنبی در دولت دستنشانده افزون می گردد. اسپنتا که به این منظور به عربستان سعودی سفر نموده و با باداران انگلیس و امریکایی خود در آنجا ملاقات کرده بود، از جانب آنها گوشزد شده که اگر برای مردم فریبی هم باشد، اجازه ندارد پا از گلیم بردگی فرا تر گذارد. لذا وقتی او از عربستان سعودی باز گشت، در خصوص مذاکره با طالبان یک چرخش ۱۸۰ درجه نمود. با وجود آنکه این مزدور اجنبی هیچ نوع صلاحیتی در رابطه با مذاکرات با طالبان ندارد، با آن هم حالا او از یک مخالف مذاکرات به یک موافق آن تغییر موقف داده. موقف اسپنتا، در هر دو صورت موقف ملت نبوده و نوکری او را به ارباب روشنتر می سازد. زیرا "اسپنتا نوکر خان جان است نه از باتجان".

پایان